

فرودستان و فرادستان در مجارستان

مجارستان کشور به نسب کوچکی است دراروپای مرکزی که به دریا دسترسی مستقیم ندارد. کل مساحت آن هم اندکی بیشتر از ۹۳ هزار کیلومتر مربع و جمعیت اش هم اندکی کمتر از ده میلیون نفر است. البته در گذرگاه تاریخ، امپراطوری اطربش- مجارستان به مراتب بزرگتر و پرجمعیت تر بود ولی بعد از جنگ جهانی اول و درپی قرارداتریانون-Trianon مرزهای کنونی مجارستان مشخص شد و ۷۱ درصد از سرزمین و ۵۸٪ از جمعیت پیشین کاهش یافت. بعد از جنگ مجارستان هم همانند دیگر کشورهای اروپای شرقی با ایجاد جمهوری خلقی مجارستان درعمل به صورت یکی از حوزه های نفوذی اتحاد جماهیر شوروی درآمد. درسال ۱۹۵۶ انقلاب ناموفقی را از سر گذراند. همانند دیگر کشورهای اروپای شرقی، دراکتبر ۱۹۸۹ نظام حکومتی پیشین سقوط کرد و مجارستان و دیگر کشورهای اروپای شرقی اقتصاد بازاربنیان را در پیش گرفتند. درسال ۲۰۰۴ به اتحادیه اروپا پیوست و از ۲۰۰۷ هم عضوگروه شنگن شد- گروه شنگن شماری از اعضای اتحادیه اروپا هستند که بین خودشان کنترل بین المرزی ندارند و رفت وآمدها آزاد و بدون نیاز به ویزا صورت می گیرد. مجارستان پس از سقوط رژیم پیشین به سازمان ناتو هم پیوسته است.

اززمان سقوط رژیم پیشین تا ۲۰۱۰ ایدئولوژی لیبرال که درمباحث غالب بود وعده ایجاد یک اقتصاد و جامعه بازاربنیان براساس رقابت را می داد. ولی واقعیت این است که میزان نابرابری در مجارستان از دیگر کشورهای عضو اتحادیه اروپا بیشتر است و بعلاوه تحرک اجتماعی هم از دیگر کشورهای عضو کمتر است. درواقع احتمال این که زندگی فرزندان از زندگی والدین شان بهتر باشد درمجارستان از دیگر کشورهای عضو به مراتب کمتر است. سیاست های رفاه اجتماعی و یا مسکن که قراربود مددکار نیازمندان باشد به خاطر فساد گسترده نصیب کسانی شد که به این خدمات نیازهای کمتری داشته اند. به نظر می رسد که در اقتصاد پس از سقوط مجارستان، رابطه نقش مهم تری داشته است تا ضابطه و به همین خاطر است که در پس پرده ادعاهای جذاب در باره بازارهای رقابتی شبکه های گسترده ولی نامرئی نخبگان به « تخصیص منابع محدود» مشغول بودو سرشهروندان هم با داستان هائی که در باره بازارهای رقابتی گفته می شد گرم می شد. در این جا^۱ می خوانیم که ۴۰درصد از جمعیت زیر خط فقر زندگی می کنند و از هر ۵ خانوار هم ۴ خانوار هیچ گونه پس اندازی ندارد. به عبارت دیگر، ثروت خالص- یعنی بدهی دررفته شان اگر منفی نباشد، صفر است.

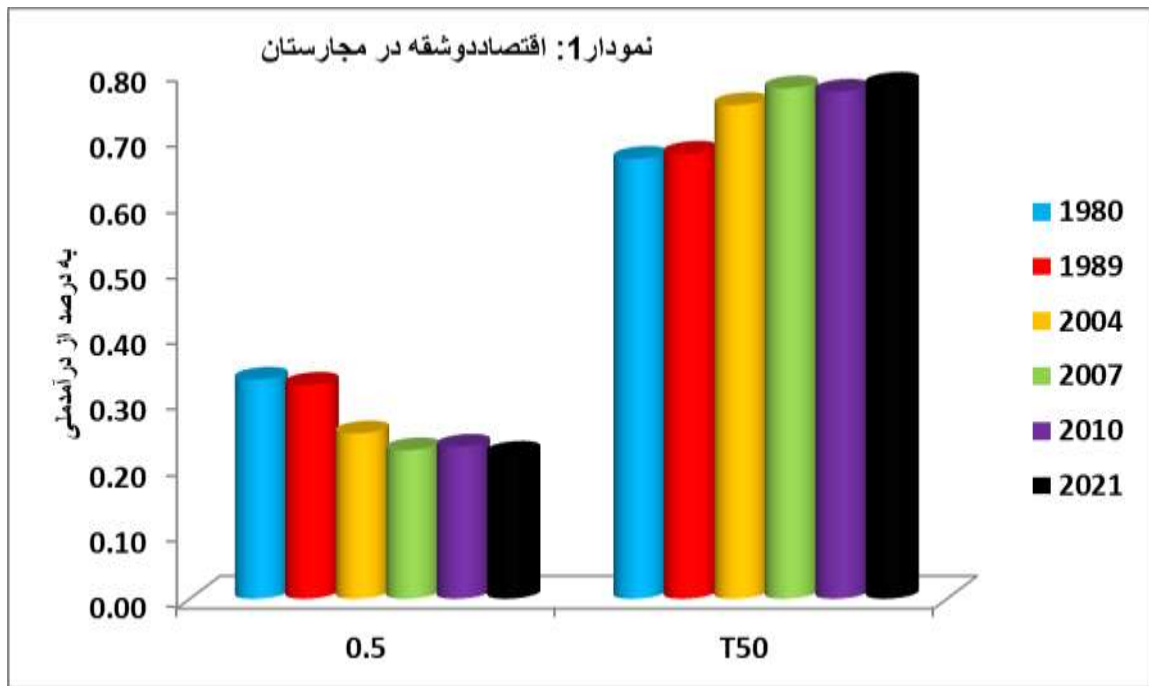
دراین یادداشت می پرسیم تا کجا این ادعاها را ارقام و آمارهای موجود تائید می شود؟ شیوه کار ما این است که از بانک آماری نابرابری جهانی، توزیع درصدی درآمد ملی درمجارستان را دانلود کرده ایم. از سایت بانک جهانی هم آمارهای جمعیت و تولید ناخالص داخلی را گرفته

¹ [PROGRAMME FOR SOCIAL DEMOCRACY - New Equality \(ujegylenloseg.hu\)](http://PROGRAMME.FOR.SOCIAL.DEMOCRACY-New.Equality(ujegylenloseg.hu))

ایم. نظر به این که آمارهای بانک جهانی و یا حتی سازمان OECD درباره تولید ناخالص داخلی در مجارستان کامل نیستند کوشش کردیم تا از منابع دیگر اینترنتی این کمبودها را برطرف کنیم. بانک جهانی برای سالهای قبل از ۱۹۹۱ آمار تولید ناخالص مجارستان را ثبت نکرده است و آمار OECD در باره مجارستان هم از ۱۹۹۵ آغاز می شود. اگرچه تغییرات را در سری زمانی هم به دست خواهیم داد ولی به چندتاریخ مشخص توجه ویژه ای مبذول داشته ایم.

اگرچه در کشورهای سرمایه داری اروپای غربی سال ۱۹۸۰ حدوداً سال آغاز رفرفرم های نفولیرالی است ولی در مجارستان- هم چنین در دیگر کشورهای اروپای شرقی- هنوز سرمایه داری دولتی که به خطا « سوسیالیسم» نامیده می شد وجود داشت. و به همین روایت، متذکر می شویم که توزیع درآمد در مجارستان در سال ۱۹۸۰، در واقع دست پخت سرمایه داری دولتی است که از سال ۱۹۴۵ در این کشور وجود داشته است. اشاره بکنم که وارسیدن تغییردرتوزیع درآمد در فاصله ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۹ این خوبی را دارد که در واقع نشان می دهد در تحت رژیم می که اگرچه سرمایه داری دولتی بود ولی به عنوان یک اقتصاد «کمونیستی» و یا «سوسیالیستی» ارایه می شدتوزیع درآمدها به چه شکلی دستخوش دگرسانی شده است. و فاصله ۱۹۸۹ تا ۲۰۱۰ هم در واقع « ماه غسل سرمایه داری» است که شاهد پیوستن به اتحادیه اروپا هم هستیم. یعنی دوره ای است که از چپ و راست مدافعان نظام تازه وعده می دهند که قرار است تمام کمبودهای سرمایه داری دولتی قبلی را رفع کرده و جامعه و اقتصاد به مراتب مولد تر بسازند که در آن شهروندان خود تصمیم می گیرند که با درآمدهای شان چه کنند. و البته که وعده بهبود سطح زندگی هم کم نبود. و بعد می رسیم به سال ۲۰۱۰ که سال به قدرت رسیدن حکومت راست گرائی است که هنوز در سال ۲۰۲۳ برسر قدرت است و به همین دلیل، ارزیابی ما از تحولات توزیع درآمدی در مجارستان به واقع ارزیابی از دست آوردهای این رژیم تازه ای است که از ۲۰۱۰ به قدرت رسیده است. به سخن دیگر، ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۱ هم در واقع آن چه که هست دست پخت رژیم دست راستی حاکم بر مجارستان است.

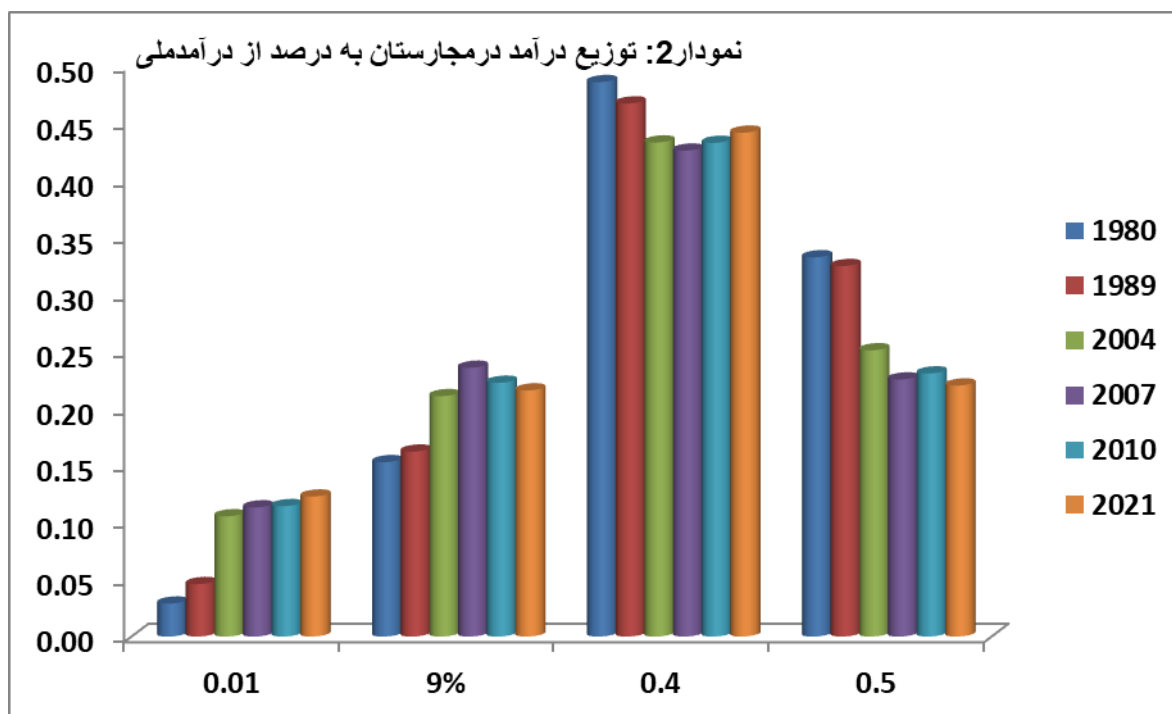
پیش از آن که به توزیع درآمدهای گروه های مختلف پردازم و وضعیت ۱ درصدی ها را با ۵۰ درصدی های فقیر در جامعه مقایسه کنم بدنیست به اختصار از اقتصاد دوشقه سخن بگویم. منظورم از « اقتصاد دوشقه» هم این است که اگر جمعیت مجارستان را به دو نیمه برابر تقسیم کنیم، به اختصار ۵۰ درصدی های بالا و ۵۰ درصدی های پائین، نسبت بهره مندی این دو گروه از درآمد ملی چگونه بود و به چه صورت در گذر سالها متحول شد. البته اندکی بعد در میان ۵۰ درصدی های بالائی به وضعیت ۱ درصدی ها و ۹ درصدی های بعدی و ۴۰ درصدی های میانی هم خواهیم پرداخت. وضعیت نسبی این دو گروه را در نمودار ۱ به دست داده ام.



اولین نکته ای که جلب نظر می کند این که اگرچه از نظرکسانی که در این دو نیمه حضور دارند با تعداد برابری شهروند روبرو هستیم ولی میزان بهره مندی شان از درآمد ملی به طور خیلی جدی و اساسی تفاوت دارد. در سال ۱۹۸۰ که در مجارستان سرمایه داری دولتی داریم سهم ۵۰ درصدی های بالای جامعه بیش از دوبرابرسهم ۵۰ درصدی های پائین است ووقتی که وضعیت را در سال ۲۰۲۱ با یک دیگر مقایسه کنیم این نسبت حدودا ۴ برابر می شود درحالی که سهم ۵۰ درصدی های پائین به حوالی ۲۰ درصد از درآمد ملی می رسد سهم ۵۰ دیگر جمعیت هم به سمت و سوی ۸۰ درصد صعود می کند.

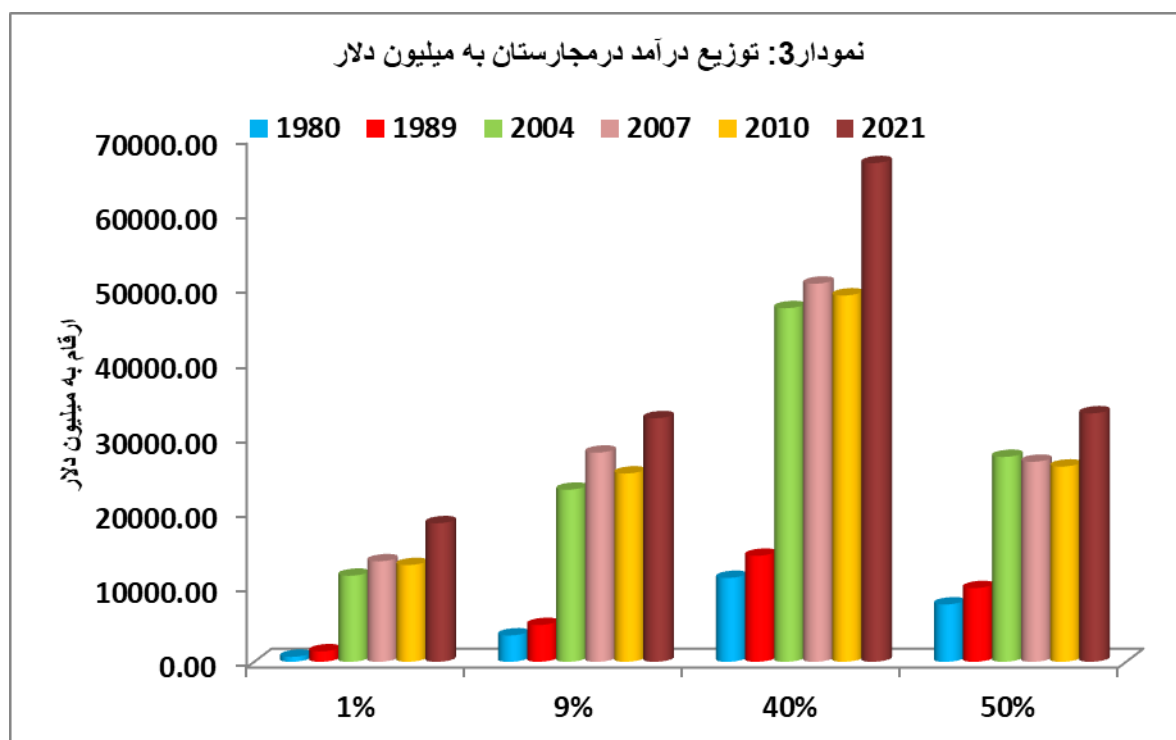
نکته دومی که در باره اطلاعات در این نمودار جالب است این که بهره مندی ۵۰ درصدی های پائین در طول این سالها روند کاهنده دارد و از یک سوم درآمد ملی در سال ۱۹۸۰ به اندکی بیشتر از ۲۰٪ در سال ۲۰۲۱ کاهش می یابد و طبیعتا همان گونه که مشاهده می شود روند سهم بری ۵۰ درصدی های ثروتمند هم افزایش یافته است یعنی در سال ۲۰۲۱ از آن چه که در سالهای پیشتر بوده ، بیشتر شده است.

پرسش بعدی این که توزیع درآمد در مجارستان به چه صورتی تغییر کرده است؟ این وضعیت را در نمودار ۲ نشان می دهیم.



در این نمودار هم با همه سادگی اطلاعاتی ذیقیمتی آمده است. اولاً در این جا سهم بری یک درصدی ها را با سهم بری ۵۰ درصدی ها فقیر و همین طور ۴۰ درصدی های میانه و ۹ درصدی ها با یک دیگر مقایسه کرده ایم. همان طور که مشاهده می کنیم اگرچه اقتصاد مجارستان در این سالها رشد کرده و بسیار بزرگتر شده است ولی ۱ درصدی ها برش بزرگتری از این کیک ملی را در اختیار دارند. اگر با رقم و عدد سخن بگویم در سال ۱۹۸۰ سهم ۱ درصدی ها ۳ درصد درآمد ملی بود ولی این رقم در سال ۲۰۲۱ به ۱۲ درصد افزایش یافت، یعنی ۴ برابر شد. ولی سهم ۵۰ درصدی های فقیر یا پائینی که در سال ۱۹۸۰ معادل یک سوم درآمد ملی مجارستان بود در سال ۲۰۲۱ به ۲۲ درصد از درآمد ملی در آن سال کاهش یافت. سهم بری ۹ درصدی ها- یعنی ۹۱-۹۹% جمعیت- هم با روند افزایش یابنده سهم بری در این سالها روبرو شد و سهم شان که در سال ۱۹۸۰ تنها ۱۵ درصد از درآمد ملی بود در ۲۰۰۴- یعنی زمان پیوستن به اتحادیه اروپا- به ۲۱% رسید و در دوره حکومت کنونی هم به ۲۲ درصد افزایش یافت. درباره ۴۰ درصدی های میانه، هم شاهدیم که سهم بری شان از درآمد ملی به نسبت آن چه در ۱۹۸۰ بود در ۲۰۰۴ با ۶% کاهش روبرو شد و سرانجام در ۲۰۲۱ با اندکی بهبود با ۵ درصد کاهش روبرو شد. آن چه این شواهد آماری نشان می دهد این که مکانیسم های بکارگرفته شده است که باعث می شود که میزان سهم برای از منافع ناشی از رشد اقتصادی بین گروه های مختلف درآمدی متفاوت باشد و طبیعتاً این بهره مندی های متفاوت هم به صورت متوسط درآمدهای گوناگون در می آید که درباره شان گزارش خواهیم داد.

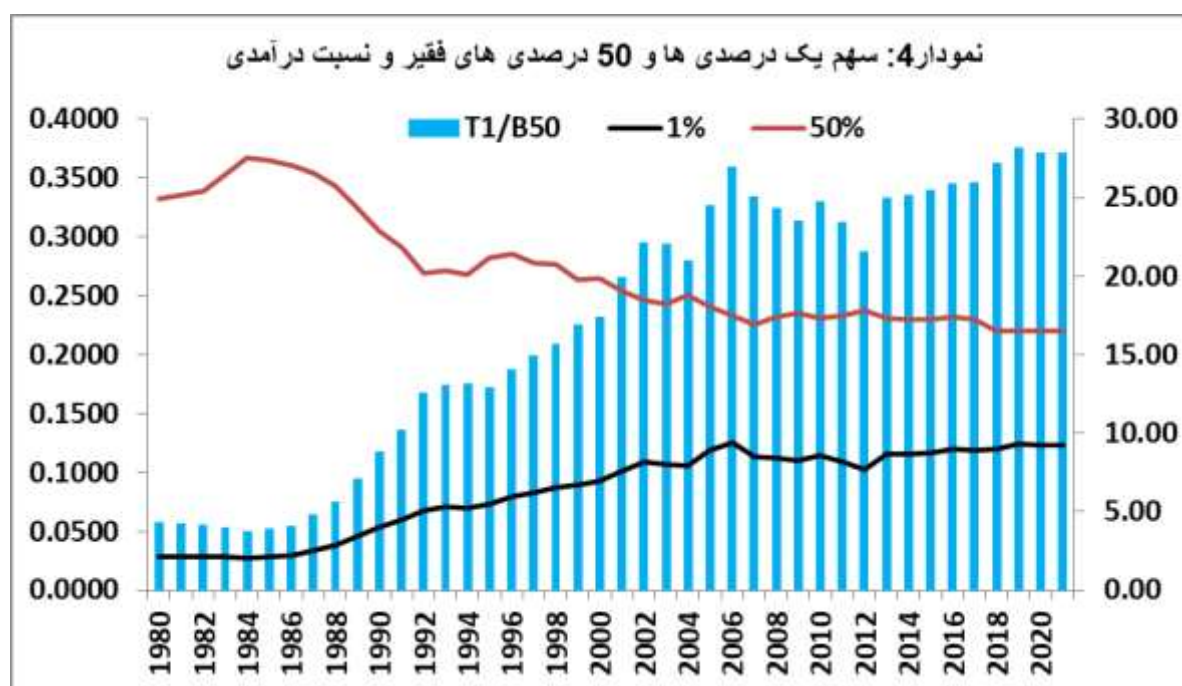
ازآمارهای بانک جهانی از تغییراتی اقتصادی مجارستان با خبریم و از طرفی درباره توزیع درصدی درآمد هم اطلاعات کافی داریم. از ترکیب این دو، توزیع درآمد به میلیون دلار را به دست می دهیم.



اولین نکته ای که باید به آن اشاره کنم که اقتصاد مجارستان در فاصله بین ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰ تقریباً ۵ درصد کاهش رفت و بیش از ۵/۵ میلیارد دلار کوچکتر شد. وقتی به سهم بری گروه های مختلف نگاه می کنیم مشاهده می کنیم که همه این گروه ها در سال ۲۰۱۰ درمقایسه با سال ۲۰۰۷ دلارهای کمتری داشته اند و تنها در مورد ۵۰ درصدی های فقیر است که این روند کاهنده در طول ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۷ که اقتصاد مجارستان حدوداً ۹ درصد بزرگتر شده بود هم وجود داشت. یعنی همان طور که در نمودار ۳ مشاهده می کنیم سهم ۵۰ درصدی های فقیر در سال ۲۰۰۷ با وجود رشد مثبت اقتصادی در کشور با کاهش روبرو شده بود.

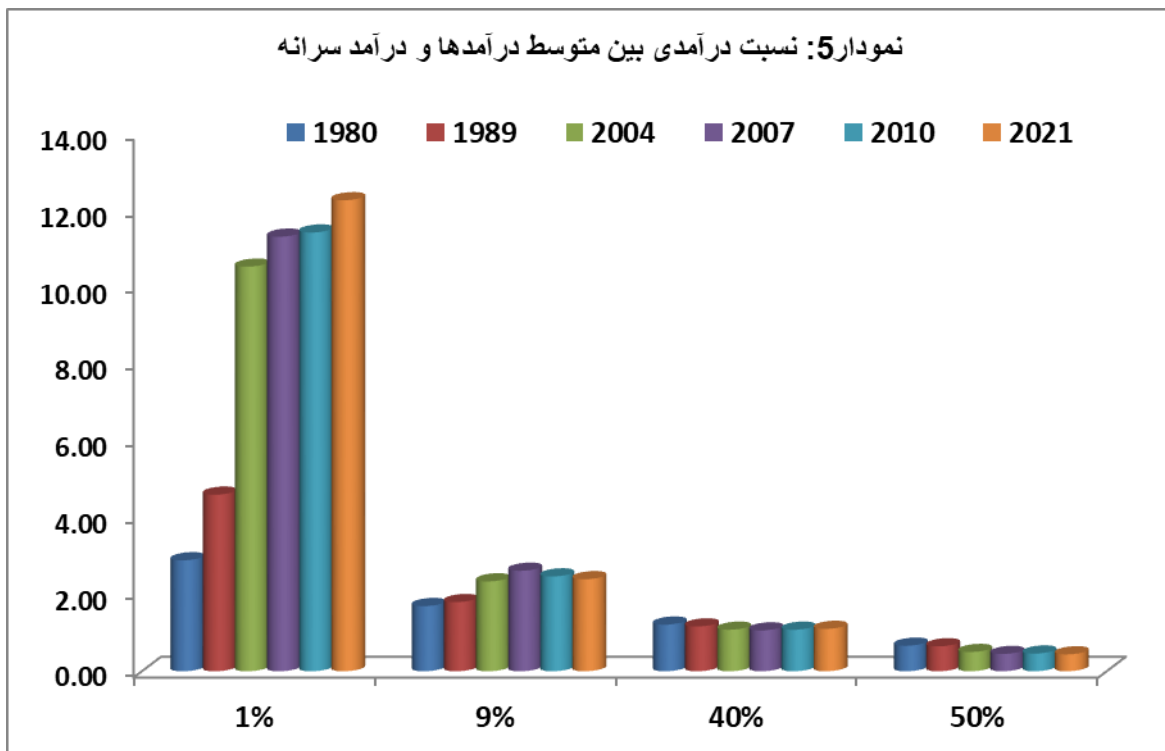
اگراندکی مشخص تر درباره دو گروه درآمدی یعنی ۱ درصدی ها و ۵۰ درصدی های فقیرسخن بگوئیم شاهد تغییرات بسیار دامنه داری در وضعیت نسبی این دو گروه در مجارستان هستیم. اگر کل این دوره را در نظر بگیریم در ۹ سال اول که هنوز سرمایه داری دولتی پا برجاست شاهد تغییرات اساسی در وضعیت نسبی این دو گروه نیستیم اگرچه شاهدیم که متوسط درآمد یک درصدی ها در سال ۱۹۸۰ بیش از ۴ برابر متوسط درآمد ۵۰ درصدی های فقیر در مجارستان است ولی این نسبت در پایان سرمایه داری دولتی به ۷ برابر افزایش می یابد. با تغییر ساختار اقتصادی در مجارستان، یک درصدی هائی که به نظر می رسد وجود داشته اند- اگرچه ممکن است در پوشش های گوناگونی پنهان شده باشند عیان می شوند و در زمان

پیوستن به اتحادیه اروپا این نسبت ۲۱ برابر می شود این روند افزایش یابنده با روی کار آمدن دولت تازه در سال ۲۰۱۰ ادامه می یابد و برای سال ۲۰۲۱ می دانیم که ۲۸ برابر می شود. در نمودار ۴ این مختصات را به دست داده ام.



سهم بری یک درصدی ها و ۵۰ درصدی های فقیر به صورت درصدی از درآمد روی محور دست چپ اندازه گیری می شود و نسبت درآمدی هم که با ستون های آبی رنگ مشخص شده است روی محور دست راست اندازه گیری شده است. مشاهده می کنیم در ابتدای دوره و حتی در طول سرمایه داری دولتی، سهم این گروه ها از درآمد ملی تغییر قابل توجهی نمی کند و از همین رو نسبت درآمدی هم تقریباً ثابت می ماند. این که چرا در اقتصاد که مدعی رعایت اصول «سوسیالیستی» بود متوسط درآمد گروهی از شهروندان بیش از ۴ برابر متوسط درآمد گروه دیگری از شهروندان همان جامعه است پرسشی است که باید به جای خود مورد بررسی و تدقیق قرار بگیرد ولی واقعیت این است که با سقوط سرمایه گذاری دولتی شاهدیم که این نسبت درآمدی هم اوج گرفته است و همانند دیگر اقتصاد های سرمایه داری با حضور ۱ درصدی هائی مواجه می شویم که اشتهاى سیری ناپذیری برای جذب درآمد و ثروت دارند.

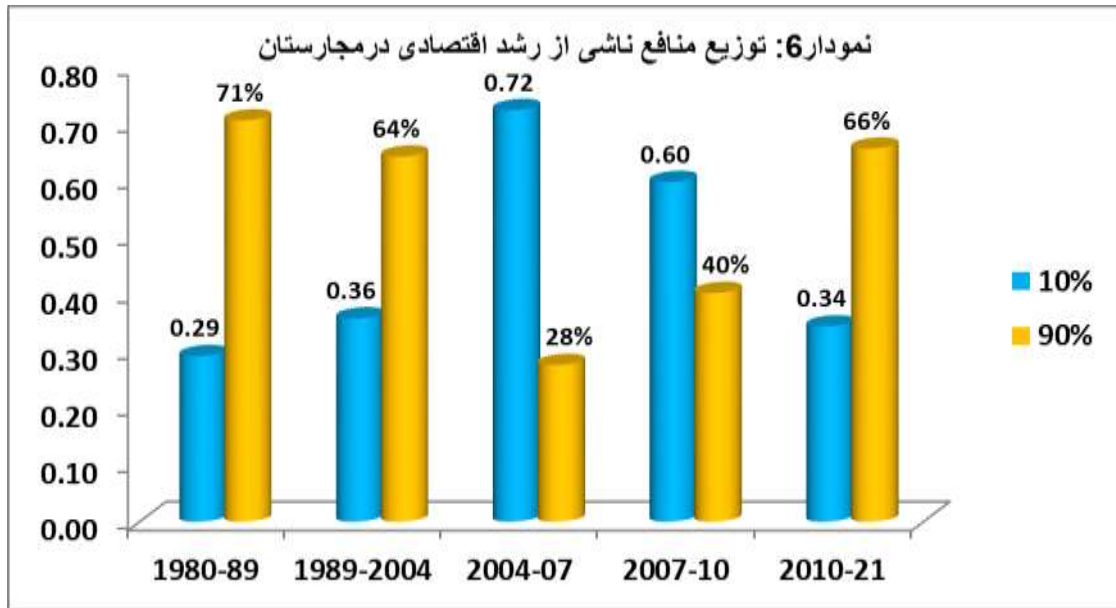
در طول این ۴ دهه متوسط درآمد در مجارستان- به تعبیری درآمد سرانه- بیش از ۷ برابر رشد کرده است و از ۲۱۵۵ دلار در سال ۲۰۲۱ به حدود ۱۵۵۵۰ دلار رسیده است. ولی تغییراتی که در توزیع درآمد در طول این مدت اتفاق افتاد نشان می دهد که دست بر قضا متوسط درآمد تعداد قابل توجهی از شهروندان در مجارستان از این میزان کمتر است. در نمودار بعدی ما از این وضعیت سخن می گوئیم.



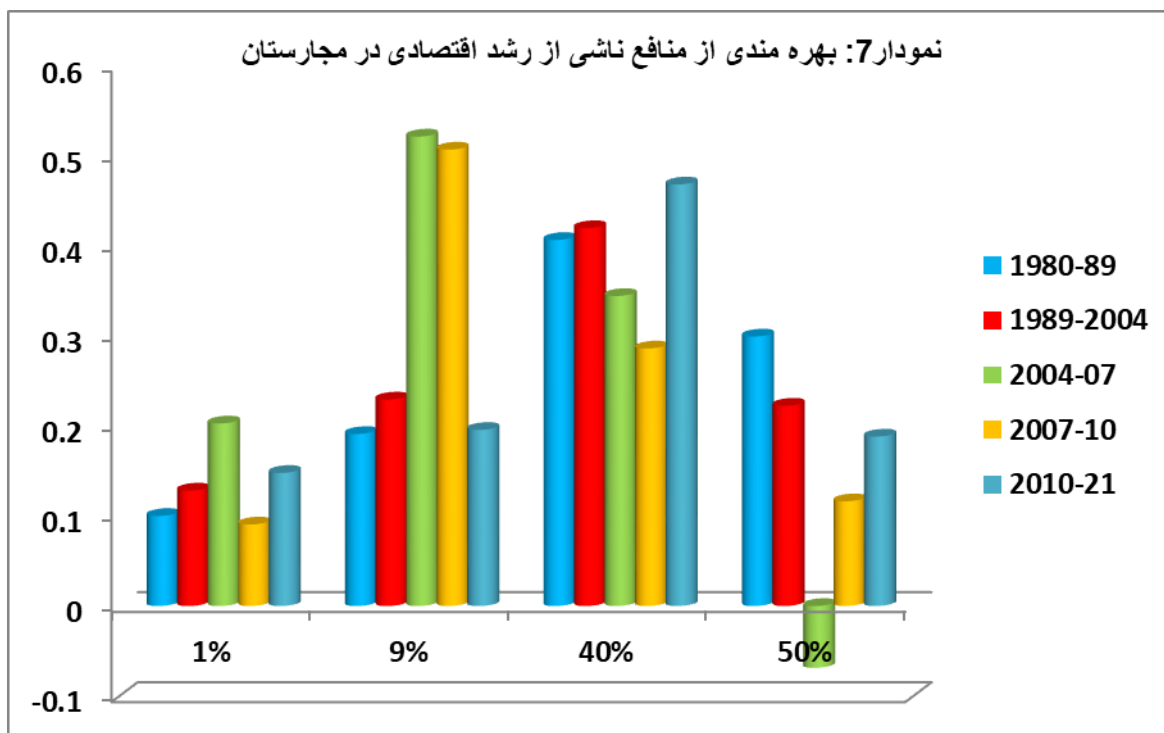
اگرچه متوسط درآمد ۱ درصدی ها که در ۱۹۸۰ کمتر از سه برابر درآمد سرانه در کشور بودولی در سال ۲۰۲۱ بیش از ۱۲ برابر شد ولی متوسط درآمد ۵۰ درصدی های فقیر در همه این سالها از میزان درآمد سرانه کشور کمتر بود. کمترین میزان هم در سال ۲۰۲۱ که متوسط درآمد ۵۰ درصدی های فقیر اندکی بیشتر از ۴۰٪ درآمد سرانه کشور بود. متوسط درآمد ۴۰ درصدی های میانه در حوض درآمد سرانه متغیر بود ولی در هیچ یک از این سالها از آن کمتر نبود و در عین حال، بطور قابل توجهی هم نسبت به درآمد سرانه فزونی نداشت.

یکی از عواملی که موجب می شود تا توزیع درآمد در یک جامعه ای نابرابرتر شود بهره مندی نابرابر از منافع ناشی از رشد اقتصادی در آن جامعه است. در این جا پرسش این است که وقتی در نتیجه رشد اقتصادی در یک کشور اندازه کیک ملی بزرگتر می شود، این کیک بزرگتر ملی چگونه توزیع می شود؟ یا اگر اندکی مشخص تر سخن گفته باشم گروه های درآمدی چگونه از این ارزش بیشتر تولید شده بهره مند می شود. در نمودار ۶ یک تصویر کلی به دست می دهیم که در این ۴۰ سال گذشته منافع ناشی از رشد اقتصادی در مجارستان چگونه بین ۱۰ درصدی های ثروتمند و ۹۰ درصد بعدی تقسیم شده است. یادآوری کنم که در این فاصله شاهد بوده ایم که تولید ناخالص داخلی در این کشورها همه افت و خیزهایی که تجربه شد ولی حدوداً ۷ برابر بیشتر شده است و همان طور که در نمودار هم مشاهده می کنیم روشن می شود در فاصله ۲۰۰۴- یعنی سال پیوستن به اتحادیه اروپا- تا ۲۰۱۰ یعنی روی کار آمدن دولت کنونی، بخش اعظم این منافع نصیب ۱۰ درصدی ها شده است. به عنوان مثال مشاهده می کنیم که در طول ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۷ بهره مندی ۱۰ درصدی ها - به صورت درصدی از ارزش بیشتری که تولید شده است- حدوداً ۲ برابر میزانی بود که نصیب ۹۰ درصد- یعنی ۹

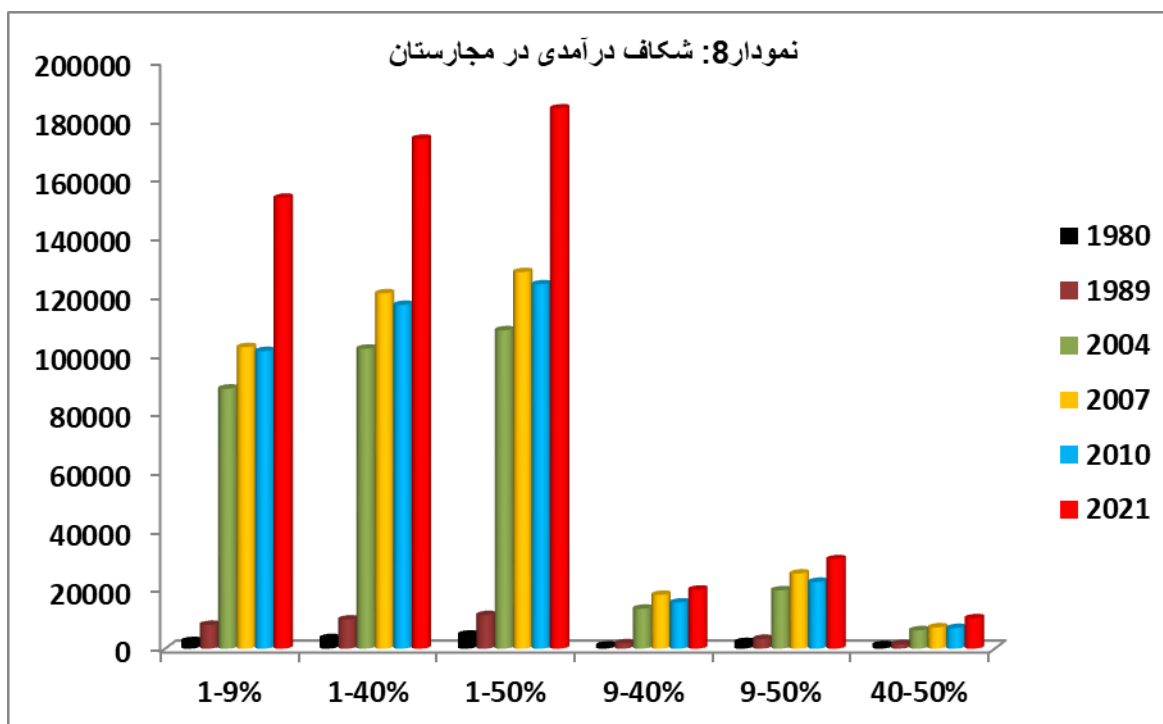
برابر بیشتر از شهروندان مجارستان شد. روشن است که با تحولاتی این چنین، درچنین اقتصادی شاهد گسترش نابرابری درآمدی خواهیم بود.



برای این که تصویر روشن تری از تغییرات در توزیع درآمد در این کشور داشته باشیم من بهره مندی گروه های مختلف درآمدی را جداگانه به دست می دهیم. به عبارت دیگر می خواهیم بینیم در میان ۱۰ درصدی های ثروتمند، درآمدهای اضافی چگونه بین ۱ درصدی ها و ۹ درصدی ها بعدی توزیع شده است. و یا در میان ۹۰ درصد جمعیت، بهره مندی ۴۰ درصدی های میانه و ۵۰ درصدی های فقیر چه تفاوت هائی با یک دیگر دارد. دریک مورد، یعنی در پی آمد بحران بزرگ جهانی در ۲۰۰۸ که باعث شد که اقتصاد مجارستان در ۲۰۱۰ درمقایسه با اقتصاد مجارستان در ۲۰۰۷ اندکی کش برود، شاهدیم که همه گروه های نسبت به بهره مندی شان در سال ۲۰۰۷ با اندکی کاهش روبرو شده اند و اما نکته ای که قابل ذکر است در طول ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۷ اقتصاد مجارستان ۹/۵ میلیارد دلار بزرگتر شد یعنی رشد اقتصادی در این سالها مثبت بود ولی مشاهده می کنیم که بهره مندی ۵۰ درصدی های فقیر درمقایسه با سال ۲۰۰۴، بیش از ۶۵۰ میلیون دلار کاهش یافته و کمتر شده است. از جمله دلایلی که می توان به اشاره از آن گذشت، این که پس از تقاضای وامی که دولت از صندوق بین المللی پول کرد دولت وقت ناچار شد که سیاست های شدید ریاضتی را در پیش بگیرد و در همه جوامعی که این سیاست ها به اجرا درآمد هزینه اصلی اش را طبقات کم درآمد و به اصطلاح اقشار آسیب پذیر پرداختند.



در سرمایه داری مجارستان همانند دیگر اقتصادهای سرمایه داری، نباید تنها روی یک درصدی ها تمرکز کرد گرچه واقعیت دارد که همانند دیگر کشورهای سرمایه داری، یک درصدی ها در مجارستان هم «حساب ویژه ای» برای خویش ایجاد کرده اند ولی واقعیت این است که شکاف درآمدی بین همه گروه های درآمدی در مجارستان بیشتر شده است. بطور کلی می توان گفت در دوره سرمایه داری دولتی، یعنی تا زمان فروپاشی در سال ۱۹۸۹ شکاف درآمدی در مجارستان اگرچه وجود داشت ولی قابل توجه و چشمگیر نبود. ولی پس از فروپاشی سرمایه داری دولتی، و رفته رفته پا گرفتن اقتصاد بازاربنیان، شاهدیم که این شکاف های درآمدی هم روند فزاینده ای داشته اند که در این نمودار شاهد این رشد هستیم. به عنوان یک مثال در سال ۱۹۸۰ شکاف بین متوسط درآمد ۱ درصدی ها و ۵۰ درصدی های فقیر در مجارستان اندکی کمتر از ۴۸۰۰ دلار بود ولی همین شکاف در سال ۲۰۲۱ به ۱۸۴۰۰۰ دلار افزایش یافت. حتی در میان ثروتمندان هم در مجارستان شاهدیم که این شکاف درآمدی بیشتر شده است. در سال ۱۹۸۰ شکاف بین متوسط درآمد ۱ درصدی ها و ۹ درصدی های بعدی اندکی بیشتر از ۲۵۰۰ دلار بود ولی همین شکاف در ۲۰۲۱ به بیش از ۱۵۳۰۰۰ دلار رسید. حتی در میان ۹۰ درصدی ها هم شاهدیم که شکاف درآمد بیشتر شده است. در ۱۹۸۰ متوسط درآمد ۴۰ درصدی های میانه از متوسط درآمد ۵۰ درصدی های فقیر اندکی کمتر از ۱۲۰۰ دلار بود ولی همین شکاف در سال ۲۰۲۱ به بیش از ۱۰۳۰۰ دلار افزایش یافت. نمودار بعدی ما این وضعیت را به خوبی نشان می دهد.



البته این وضعیتی که در صفحات پیش به اختصار بررسی کرده ایم بدون پی آمد های اجتماعی و اقتصادی نیست. به عنوان مثال، اگرچه هدف ما در این یادداشت وارسیدن مقوله فقر در مجارستان نبود، ولی در اینجا می خوانیم که بیش از ۱ میلیون نفر از شهروندانی که حتی شاغل اند، یعنی یک چهارم از همه کارگران، ولی مزد و درآمدشان به حدی نیست که فقر را بپوشانند.^۲ البته اگر بخواهیم شماره کسانی را که فاقد شغل هستید به این جمع اضافه کنیم بدون تردید شماره کسانی که زیر خط فقر قرار دارند از این میزان هم بیشتر می شود که از آن می گذرم. بطور کلی، آن چه که باید یک بار دیگر تاکید شود این که اگرچه شیوه اداره نظام اقتصادی سرمایه داری می تواند تا حدودی روی توزیع درآمد تاثیر مثبت بگذارد- به عنوان مثال وجود برنامه رفاهی گسترده و یا استفاده از مالیات تصاعدی و صرف درآمد ها در پروژه های عمومی مثل بهداشت و آموزش می توان میزان نابرابری را کمتر کند ولی وجود نابرابری در واقع به یک معنا در ذات نظام سرمایه داری است. حتی اگر از مختصات گروه های مختلف درآمدی صرف نظر کنیم واقعیت این است که الگوی اقتصادی سرمایه داری در بهترین حالت می تواند یک اقتصاد دوشقه تولید کند که ۵۰ درصد جمعیت در یک سو و ۵۰ درصد دیگر در سوی دیگر قرار دارند.

² <https://www.eurofound.europa.eu/publications/article/2015/hungary-working-poor-minimum-wage-and-minimum-income>

